



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۱۲/۱۰

ف، هیرمند

## "مدارا – رواداری la-tolérance" در نظام حقوق بشری

به یادآوری از سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر

به بهانه یاد و برگزاری از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشری (10 دسامبر 1948) فرصتی فراهم شد تا نگاهی به یک مطلب مهم و جدی انداخته شود و آن موضوع "مدارا" است، جامعه ما که در بسیاری از رویدادها و تحولات فردی و اجتماعی خویش را از راه ستیز و سخت و خشن عبور داده است تا آنجا که اصول ملایم و نرمی مانند مدارا را فراموش نموده و از یاد برده است، تاریخ پیشینه وطن ما پر از کاربرد روش های "نامدارا" بوده است مخصوصاً در دهه 50 ه ش حتی همانانی که مدعی "مسالمت و مسالمت آمیز" بودند برای تصاحب قدرت به نامدارا ترین شیوه متوسل گردیدند و با اشتیاق و اطمینان کامل به ستیز و نامدارایی از قوای خارجی نیز دعوت به هجوم و اشغال کشور نمودند و بعد چنان با مدارا راه خصومت را به پیش گرفتند که دگر محلی برای مدارا نه گذاشتند، این گروه به ظاهر "مسالمت خواه...!" چنان تهدابی برای تفوق خشونت بر مدارا را در جامعه اساس گذاشتند که تا حال که حال است،

نعلش خون آلود مدارا در این سرزمین در زیر چکمه های گرایش های نامدارایی یا ضد مدارا دست و پا میزند. تاریخ سراپا خشونت و ستیز این سرزمین فقط و فقط جنگ و جدل و کشتن و بستن کور کردن و سربریدن، دسیسه و توطئه و حيله بی تحملی و بی بردباری و ناشکیبایی را حاکی است این شیوه ها چنان در نهاد روش ها جا گرفتند که باور به مدارا و بردباری دگر حرف خنده دار را تمثیل میکرده است، حضور و تعریف و شرح خشونت و رویه های به دور از مدارا در این سرزمین چنان فراخ گشت که هر چه در باب آن بگویی باز هم کمی میکند. به این جهت فقر و فقدان مدارا در اینجا برای خودش دلیل و اسبابی را در اختیار دارد. رشد بی حد و حصر تمايلات نامدارایی، شاید به دلیل اعتقاد محکم به مؤثریت و موفقیت راه های سخت و ستیزمدار و نامدارایی بوده باشد که ما تا امروز توجه و اطمینان کمتری به روش های بردباری و مدارا داشته ایم.

ما اگر از مدارا و تحمل و تسامح نام و نشانی داریم در فلسفه ها و اشعار شاعران ما آنرا خواهیم یافت که همانند معشوقه دست نیافتنی از آن یاد می کنیم؛ یک پدیده جنتی که فقط در بهشت برین نصیب ما خواهد بود انشاء الله... به منظور شناخت اینکه مدارا چه نقشی در تأمین احترام و حرمت و ارتقای فرهنگ های متنوع خواهد داشت، جایگاه "مدارا" را در نظام بین المللی حقوق بشری باید دید

موریس کرنستن برای توضیح مفهوم دقیق "رواداری" این قصه را شرح میدهد: «فرد راهب نمی خواهد با او مدارا شود منظور او برخلاف پندار عده ای این نبود که راهب در حسرت شهادت است، بلکه می خواست بگوید او نمی خواهد صرفاً تحمل شود، بلکه خواهان چیز بهتری است می خواهد محترم و گرامی دانسته شود...» از نظر مایکل والرزد رواداری یا مدارا با "تفاوت" و یا به تعبیر کم و بیش پست مدرنیستی "دگربودگی" سروکار دارد

مدارا و رواداری حالتی است که امری مغایر و متفاوت از سوی جانب مقابل تحمل گردد و وجود تفاوت نزد گیرنده مدارا حق او پذیرفته شود، بدون آنکه شخص یا طرف مدارا کننده و روادار توقع اضافی از مفعول مدارا داشته باشد؛ فاعل مدارا با آگاهی تمام تفاوت و مغایرت جانب مقابل را برای او بپذیرد و در این پذیرش طرف را مدیون مدارا و بردباری خود نداند.

اگر پذیرش اندیشه مغایر فاعل مدارا (شخصی که مدارا و بردباری میکند) در ازای اینکه مفعول مدارا، مدیون یا منت گزار باشد و یا این مدارا به دلیل ناتوانی و ضعف مفعول مدارا و یا به خاطر ترحم به مفعول مدارا صورت گرفته باشد، چنین مدارای در وضعیت نابرابری و عدم تساوی دو طرف به وجود آمده و بیشتر به "ترحم" نزدیک میگردد. برخی از مدارا و بردباری در گذشته ها از همین نوع بوده است که جانب فاعل مدارا خویش را به آن جانب – مثلاً یک اقلیت – برابر و متساوی نمی پذیرفت و توقع داشت تا مدارای که کرده، جانب، مدیون و مشکورش باشد و طرف دریافت کننده مدارا در همان موقعیت نابرابر – زیر دست، ضعیف، کم مستحقرتر، پائین تر از فاعل مدارا – باید باقی می ماند. بخش زیاد مدارا های که در گذشته ها به عمل می آمد از همین نوع بوده است.

فرق بنیادی مدارا و بردباری معمول دیروز با مدارای مندرج اسناد حقوق بشری در همین نکته است که: مدارا در حالتی میان دو دیدگاه، طرز فکر، عمل و اقدام متفاوت توسط جوانب به عمل می آید که علی الرغم تفاوت در شیوه

و طرز دیدگاهی ایشان با هم برابر اند و فاعل مدارا توقع مدیونیت و زیردستی و یا نابرابری را از جانبی که مدارا دریافت کرده، ندارد، چنین حالتی از مدارا به "همدیگرپذیری" جان و معنی میدهد درست است که دیروز ها و حالا در بعضی از رویه ها و نیز اصطلاحات بار معنایی "مدارا" به صورت پنهانی نهفته است، مثل ترحم، تسامح، دلسوزی، فروگزاری و... اما دریافت جوانب از معنی آن همان معنی دیروز ها (مدارا در اذای مدیونیت، زیردستی و نابرابری) می باشد و نه با مفاهیم جدید که در اسناد حقوقی ثبت شده است. بدون شک اثرات رعایت مدارا در نحوه دیروزی آن با شکل امروزی فرق زیادی نخواهد داشت، ولی فرق عمده، همان حس نابرابری دو طرف مدارا، در نحوه دیروزی آن می باشد.

از نگاه سرچشمه سیاسی، "مدارا" را جز ارزش های لیبرالیزم میدانند که این رویه را در تماس با تمایلات، رفتار ها و عقاید متفاوت مطرح میکرده است.

در زبان فارسی دری اصطلاحات بردباری، تسامح و تساهل، افاده حوصله مندی و تحمل حالتی را میکند که فاعل مدارا با آن موافق نمی باشد ولی آگاهانه در برابر آن تحمل به خرج میدهد و این عکس العمل یک رویه بزرگوارانه شناخته می شود و نیز در این فرهنگ از بردباری به عنوان راه های صحیح زیستن در حیات جمعی یاد کرده اند:

## آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

"حقوق" و "مدارا" چنان با هم پیوند نزدیک و به هم آمیخته ای دارند که گاهی تصور می شود، هر دو هدف واحدی را دنبال میکنند؛ اگر هدف کلی حقوق تأمین نظم و انسجام و جلوگیری از آشفتگی، بی نظمی و ستیز باشد، از رعایت "مدارا" چه نیت و مقصدی توقع برده می شود...؟ مقصد کلی و شکلی حفظ نظم و صلح و آرامش است که مدارا و بردباری آن را فراهم خواهد کرد، دیده می شود که مدارا و حقوق انگار بر نیاز واحدی پاسخ می گویند. اما با نگاه عمیقتر به این حقیقت می رسیم که علوم حقوقی جهت فراهم آوری مدارا و اهداف قریب به آن شکل گرفته و رشد نموده است، در حالیکه مدارا و بردباری خود در نص اصول و قواعد حقوقی تعبیه اند این درونمایه های حاوی مدارا، زمینه انکشاف علوم حقوقی را بیش از پیش فراهم میکنند.

اسناد حقوق بشری اعم از اعلامیه جهانی حقوق بشر 10 دسامبر 1948 - که حاوی ارزش های عام حقوق بشر بوده و منبعه اصول و قواعد نظام حقوق بشری بین المللی محسوب می شود تا میثاق های حقوق بشری بین المللی که تعهدات دول را در رعایت و حفظ احکام این نظام در بر میگیرد، همه با روح و نفس مدارا زنده و پویا اند: در مواد 1 و 2 اعلامیه حقوق بشر می خوانیم:

« ماده 1: تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند.

ماده 2: هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، مکننت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد.»

دعوت به "آزادی"، "برابری" و تأکید بر عقلانیت و صیانت وجدان و "رفتار برادرانه"، تحمل نژاد غیر، تحمل جنس غیر، تحمل عقیده سیاسی غیر، تحمل جایگاه اجتماعی غیر و قبولی تمام حقوق و آزادی های ذکر شده به همه و... این ها همه با روح مدارا، بردباری و تحمل پدید آمده و حضور می یابند.

واضح است ارزش "اخلاق" که جز تمام فرهنگ های جوامع انسانی است، کدر و چوکات کلی مدارا را خاطر نشان می سازد، رعایت مدارا یک امر اخلاقی و یک روش اخلاقی نیز شمرده می شود.

درج و موجودیت روح مدارا در تمام اسناد حقوق بشری از پیش شرط ها و اولیت ها اصلی آن اسناد محسوب شده است.

ارگان فرهنگی سازمان ملل متحد، یونسکو در سال 1995 اعلامیه ای را در باره "رواداری" اصدار نمود از مطالعه ماده اول آن چنین تشخیص می شود که «... مفهوم رواداری را از دایره ی مفاهیم تاریخی، مفهوم اجازه، همزیستی و همچنین مفاهیم اخلاقی بردباری، تحمل، تساهل و تسامح، شکیبایی، بخشندگی، بی تفاوتی و مدارا مجزا میگرداند. این ماده بیان میدارد که رواداری بخشندگی یا بی تفاوتی در مقابل دیگران نیست، بلکه رواداری به منزله احترام و ارجمندگاری و به رسمیت شناسی تکثر و غنای فرهنگیهای مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه های زندگی انسا نهاست.

این ماده اضافه میکند که مدارا به معنای پذیرش این واقعیت است که همه انسانها، با تمامی اختلافات ظاهری، موقعیتی، زبانی، رفتاری و ارزشی، حق آن را دارند که در صلح زندگی کنند و همانطور که هستند، باشند. به علاوه تحمیل دیدگاه های شخصی را به دیگران مجاز نمی داند.

ماده دوم رواداری را در عرصه حکومتداری، عدالت، دموکراسی و قانونمداری تأکید ورزیده و رواداری را در تمام شئون اداره لازمی میدانند و تساوی را در برخورداری یکسان همه از امکانات اقتصادی و اجتماعی شرط وجود مدارا در نظام حاکمیت مشخص می نمایند، از ماده چنین فهمیده می شود که جامعه قانونمدار و حاکمیت قانون بستر مهم تنفس برای مدارا شمرده می شود.

ماده سوم اوضاع ناشی از تحولات جهانی شدن اقتصاد، جابجایی های جدید، ارتباطات، همزیستی و وابستگی متقابل، افزایش مهاجرت ها و عواقب برون آمده از آن را در نظر گرفته و رعایت اصل مدارا را در حل بحرانها پدید آمده ضروری میدانند زیرا مخاطرات منجر شده از این اوضاع فقط متوجه یک کشور نبوده بلکه تمام جهان را تهدید خواهد کرد.

در ماده چهارم یکی از راه های اساسی اشاعه و ترویج روح مدارا و رواداری در جوامع تجویز شده است این راه آموزش رواداری، مدارا و همدیگر پذیری و رعایت همدیگر با احترام به تفاوت های موجود میان انسان ها می باشد، آموزش مدارا برای گسترش آن از اهداف جدی اعلامیه تعیین شده است این آموزش می باید عقلانی و برنامه ریزی شده باشد و حاوی نصاب شناخت و معرفی جنبه های "نامداری" فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... را احتواء کند ماده پنجم کشورهای عضو یونسکو را دعوت می نماید تا زمینه شناسایی مدارا و عدم خشونت را ذریعه برنامه ها و ارگان ها در عرصه های آموزشی، علمی، فرهنگی و ارتباطات گسترش دهند... ماده ششم توصیه میکند که برای بیداری مردم خطرات ناشی از تداوم و سرایت روز تا روز رویه های "نامداری" به آنان اذهان گردد.

اساساً مدارا یکی از خاستگاه های عمده حقوق بشر است «... اسناد بین المللی موجود در زمینه حقوق بشر مبتنی بر رواداری است و در برابر مظاهر نارواداری وضع شده است. به رسمیت شناختن دیگران، باور به تنوع فرهنگی و پلورالیزم، عدم توسل به زور، اعمال اعتدال و میانه روی در اجتماع و باور به برابری و آزادی انسانها، حفظ کرامت انسانی، عدالت و آزادی از ارزش های بنیادین رواداری است. در عین حال اساس مفاهیم حقوق بشری را شکل داده و در اسناد بین المللی حقوق بشر تجلی یافته است...»

یادآوری این نکته ضروری است که طی سال های حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان کار های تحقیقی پیرامون تساهل و مدارا توسط پژوهشگران در سطح پوهنتون ها صورت گرفته که حاصل این تلاش ها در چهار جلد تحت سرنامه "گفتمان تساهل و مدارا" چاپ و نشر شده است. این مساعی در باب مدارا در کشور ما از نوع کوشش های آکادمیک است که در زمینه پژوهش در عرصه مدارا و بردباری با دیدگاه های علمی امروزی به عمل آمده است، فکر می شود حالا ادامه و تداوم آن کوشش ها - مثل سایر فعالیت ها - متوقف شده باشد. در ساحة این مساعی بر علاوه استادان و پژوهشگران توانای کشور ما، جناب دکتور رسول رحیم نیز سهم جدی داشته است که مصاحبه خیلی ها جامع و عمیق در این باب از ایشان در آرشیف ثبت است. این نوشته ناکامل خواهد بود اگر نکاتی از کار جناب رسول رحیم در آن علاوه نگردد:

«... تساهل و مدارا نه زیاده روی در اغماض و چشم پوشی در قبال افکار و رفتار های است که مورد قبول ما نمی باشد و نه بی تفاوتی، بلکه احترام و ارج گذاشتن است به تنوع فرهنگ های مختلف جهانی...» و باز «... اما در همه موارد نمی توان برای حل منازعه... از ابزار تساهل و مدارا کار گرفت به ویژه هنگامی که پای آزادی ملی، سرکوب مکرر و سیستماتیک حقوق و آزادی های اساسی انسان ها و انتخاب جنگ و ترور به مثابه یگانه وسیله رسیدن به قدرت سیاسی مطرح باشد، دفاع از استقلال ملی، حقوق و آزادی های اساسی شهروندان افغانستان و حراست از حق حیات و امنیت شهروندان کشور از خطوط سرخی می باشند که استفاده از قهر را توجیه می نمایند... 30 دسامبر 2019»

در نتیجه می توان اندیشید؛ مدارا و رواداری فضیلتی است که هدف نهایی آن تحقق صلح، عدالت، برابری و دیگر ارزش های بلندی است که جوامع انسانی به آن نیاز دارد، مدارا این مقصد را از رفع و دفع خشونت و ستیز و طرد روش های غیرمسالمت آمیز در پیش میگیرد و اصل های حرمت و ارجگزاری را به جای آن قرار میدهد، صلح، همزیستی مسالمت آمیز و همدیگر پذیری و عدم خشونت را به جای تشدید اختلافات ارجحیت میدهد، تفاوت های موجود نزد اعضای جامعه را مانعی در راه صلح و ثبات تلقی نمی کند، مدارا و رواداری فضای آرام و مسالمت را برای زیست باهمی میان فرهنگ های متنوع ممکن و فراهم می سازد.

بخصوص جوامع جنگ زده و برون آمده از خشونت و ستیز به عنصر مدارا و رواداری بیشتر محتاج خواهند بود. اما زمانی که شرایط و ماحول چنان آکنده از ستیز و خشونت و دهشت باشد که رعایت مدارا و رواداری حمل بر قبول بی عدالتی، ظلم، عقب گرایی و تسلیم طلبی گردد، در چنین حالتی مدارا و رواداری دگر محلی برای حضور خود نخواهد یافت.

## پایان